

عنوان مقاله:

لحظات سه گانه زمستان

محل انتشار:

ماهنامه ادبیات متعهد، دوره 3، شماره 17 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 6

نویسنده:

رضا نجفی - انجمن نویسندگان

خلاصه مقاله:

دو طبقه زیر زمین، همراه خیل جمعیت که از قطار پیاده شدیم، نیچه کلافه، غر زد: «از فرانکفورت بیزارم... شهر بانکدارها، شهر بورس و نمایشگاه های تجاری... بیهوده نبود که گوته هم در این شهر نماند. آن وقت مردم این شهر ریاکارانه به گوته لقب پسر فرانکفورت داده اند. مسخره است.» در ایستگاه بوکنهایم، نزدیک دانشگاه گوته،...

کلمات کلیدی:

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1930128>

